



18

Vol. 5
Summer 2025

Research Paper

Received:
08 March 2025Revised:
09 July 2025Accepted:
09 July 2025Published:
22 June 2025
P.P: 11-39ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743**Hybrid Warfare from the Perspective of U.S. Strategic Documents: Capabilities and Priorities**Hossein Kamal Zare¹ | Fathollah Kalantari²

DOR: 20.1001.1.28210247.1404.5.2.1.4

Abstract

Hybrid warfare, as one of the most frequently utilized concepts in the international system, holds considerable significance in the foreign policy of states. Today, most countries-particularly major powers such as the United States- seek to exploit this concept to the fullest extent in pursuit of their national interests. In this regard, it is essential to thoroughly examine how states (especially great powers) conceptualize and understand this notion. Accordingly, explaining hybrid warfare from the perspective of U.S. strategic documents-as the leading power in the current international order-holds special importance for the Islamic Republic of Iran. The primary aim of this study is to uncover and explain how American policymakers perceive the concept of hybrid warfare. This research is applied in nature and has been conducted using an exploratory-inductive method, with a sample size of 30 individuals. Based on the findings, the United States possesses the highest levels of military, economic, political, media, security, and cyber capabilities. These strengths have significantly enhanced Washington's capacity and initiative in countering hybrid threats and implementing counter-hybrid measures. According to the results of the study, American policymakers understand hybrid warfare as a form of conflict in which a broad spectrum of overt and covert military, paramilitary, and non-military actions are employed within a highly integrated and coordinated design. The attacking state attempts to influence key policymakers and decision-makers in the target country by combining kinetic operations with subversive efforts. One of the key features of this type of warfare, in their view, is its covert nature-designed specifically to prevent attribution and the possibility of retaliation against the aggressor state.

Keywords: Hybrid warfare, hybrid threats, United States, international system, hybrid capabilities.

¹ Corresponding Author: M.A. in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran. hosseinkamalzare95@gmail.com

² Associate Professor of Strategic Defense Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran. fffkalantari@chmail.ir

Cite this Paper: Kamalzare, H., Kalantari, F. (2025). Analysis of Hybrid Warfare from the Perspective of U.S. Strategic Documents: Capabilities and Priorities. *American Strategic Studies*, 5(2), 11-39. doi: 10.27834743/ASS.2503.1287.18.1

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



تحلیل جنگ ترکیبی از منظر اسناد راهبردی آمریکا: قابلیت‌ها و اولویت‌ها

حسین کمال زارع^۱ | فتح‌الله کلانتری^۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

صص: ۳۹-۱۱

شابا چاپی: ۰۲۴۷-۲۸۲۱

الکترونیکی: ۴۷۴۳-۲۷۸۳



چکیده

جنگ ترکیبی به‌عنوان یکی از پرکاربردترین مفاهیم نظام بین‌الملل، از اهمیت بالایی در سیاست خارجی کشورها برخوردار بوده و امروزه اکثر کشورها به خصوص قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا، در پی استفاده حداکثری از این مفهوم در راستای تأمین منافع خود می‌باشند. در همین راستا، نیاز است که درک کشورها (خصوصاً قدرت‌ها) از این مفهوم به‌طور عمیق مورد بررسی قرارگیرد. به همین منظور، تبیین جنگ ترکیبی از منظر اسناد راهبردی آمریکا، به عنوان قدرت اول نظام بین‌الملل کنونی، دارای اهمیت ویژه‌ای برای ج.ا.ایران است. هدف اصلی تحقیق کشف و تبیین درک حاکمان آمریکا از مفهوم جنگ ترکیبی است. این تحقیق کاربردی و به روش اکتشافی- استقرایی انجام شده و حجم نمونه آن ۳۰ نفر است. بر اساس یافته‌های تحقیق، کشور آمریکا دارای بالاترین قابلیت‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای، امنیتی و سایبری می‌باشد که همین امر، قابلیت‌ها و ابتکار عمل واشنگتن در راستای دفع تهدیدات ترکیبی و اقدامات متقابل در این حوزه را به طرز چشمگیری افزایش داده است. بر اساس نتایج تحقیق حاکمان آمریکا، جنگ ترکیبی را جنگی می‌دانند که در آن طیف وسیعی از اقدامات آشکار و پنهان نظامی، شبه نظامی و غیرنظامی در یک طراحی بسیار یکپارچه به کار گرفته می‌شود و کشور مهاجم سعی می‌کند با ترکیب عملیات جنبشی و تلاش خرابکارانه، بر سیاست‌گذاران تأثیرگذار و تصمیم‌گیرندگان کلیدی کشور هدف تأثیر بگذارد. آن‌ها یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع جنگ را مخفیانه بودن آن می‌دانند به طوری که از هرگونه انتساب و مجازات کشور مهاجم پیشگیری شود.

کلیدواژه‌ها: جنگ ترکیبی، تهدیدات ترکیبی، آمریکا، نظام بین‌الملل، قابلیت‌های ترکیبی

^۱ نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

hosseinkamalzare95@gmail.com

^۲ دانشیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

ffkalantari@chmail.ir

استناد: کمال زارع، حسین و کلانتری، فتح‌الله. (۱۴۰۴). تحلیل جنگ ترکیبی از منظر اسناد راهبردی آمریکا: قابلیت‌ها و اولویت‌ها. مطالعات راهبردی

doi: 10.27834743/ASS.2503.1287.18.1.۱۱-۳۹، (۲)۵، آمریکا،

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

در دنیای امروز، تهدیدات امنیتی دیگر به صورت سنتی و آشکار ظاهر نمی‌شوند، بلکه در قالب‌های پیچیده، چندلایه و زیرسطحی نمایان می‌گردند. یکی از بارزترین نمودهای این تغییر، گسترش مفهوم «جنگ ترکیبی»^۱ است، راهبردی که از ترکیب جنگ سیاسی، جنگ کلاسیک، جنگ نامنظم، جنگ سایبری، عملیات روانی، دیپلماسی اجباری و مداخله در نظام تصمیم‌سازی کشورها بهره می‌گیرد تا کشور مهاجم بتواند با استفاده هم‌زمان و هماهنگ از مجموعه‌ای از ابزارهای سخت و نرم، بیشترین فشار را به کشور هدف وارد سازد و ساختار تصمیم‌سازی آن را بدون آن که الزاماً وارد جنگ آشکار شود، تحت تأثیر جدی قرار دهد (Hoffman, 2007). این نوع از جنگ که به‌ویژه پس از بحران اوکراین و تقابل‌های آمریکا با روسیه، چین و ایران به شدت برجسته شده، چالشی مهم برای امنیت ملی قدرت‌های بزرگ تلقی می‌شود.

بدون شک مهم‌ترین کشور در بررسی استراتژی‌های مربوط به جنگ ترکیبی، آمریکا می‌باشد، چرا که این کشور به منظور حفظ جایگاه منحصربه‌فرد خود در نظام بین‌الملل عصر حاضر، همواره به دنبال استفاده از مدرن‌ترین و مؤثرترین استراتژی‌های جنگی می‌باشد و اهمیت ویژه‌ای به شیوه‌های نوین می‌دهد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها جنگ ترکیبی می‌باشد. یکی از چالش اصلی آمریکا وجود تهدیدهای ترکیبی از طرف کشورهای رقیب است، البته آمریکا جهت خنثی نمودن تهدیدهای ترکیبی دارای قابلیت‌های خوبی در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای، سایبری و امنیتی است. آنچه که به عنوان مسئله اصلی تحقیق ذهن محقق را به خود معطوف نموده درک تهدیدهای ترکیبی و الزامات مقابله با آن‌ها از منظر آمریکا می‌باشد. بنابراین مسئله اصلی تحقیق عبارتست از: شناسایی ظرفیت‌های آمریکا برای مقابله با تهدیدهای ترکیبی متصور علیه این کشور.

آمریکا به عنوان قدرت اول حال حاضر نظام بین‌الملل و همچنین یکی از مهم‌ترین کشورهای متخاصم در قبال جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت ویژه‌ای در پژوهش‌های حوزه جنگ ترکیبی برخوردار است. این کشور که پس از جنگ جهانی اول به تدریج قدرت خود را به نظام بین‌الملل دیکته کرد، در طول قرن گذشته حضور فعالی در عرصه مخاصمات بین‌المللی داشته است. با نگاهی گذرا به درگیری‌های دوران معاصر می‌توان دریافت کمتر جنگی بوده که اثری از دخالت مستقیم

^۱ Hybrid Warfare

یا غیرمستقیم آمریکا در آن موجود نباشد فلذا از این لحاظ اهمیت دارد که درک حاکمان این کشور از مقوله جنگ ترکیبی به طور جامع بررسی گردد. با توجه به اختلافات و تضاد منافع گسترده این کشور با جمهوری اسلامی ایران، عدم شناسایی و تبیین درک حاکمان این کشور از جنگ ترکیبی و مفاهیم مرتبط با آن، ضمن ایجاد غفلت در حوزه مقابله با تهدیدات ترکیبی، سبب از بین رفتن فرصت‌های موجود در این حوزه می‌گردد. با توجه به مباحثی که طرح گردید هدف اصلی این پژوهش شناسایی قابلیت‌ها و تهدیدهای ترکیبی آمریکا از منظر تصمیم گیران کاخ سفید است و اهداف فرعی عبارت‌اند از: ۱- شناسایی قابلیت‌های آمریکا در حوزه جنگ ترکیبی؛ ۲- شناسایی تهدیدات ترکیبی درک شده از سوی نهادهای امنیتی آمریکا؛ ۳- شناسایی الزامات مقابله با این تهدیدات از منظر تصمیم گیران کاخ سفید.

با توجه به این که این مقاله اکتشافی است نیازی به تدوین فرضیه ندارد و سؤالات مقاله نیز متناظر با اهداف ذکر شده تنظیم گردیده است.

۱- پیشینه پژوهش

بررسی ادبیات علمی موجود پیرامون جنگ ترکیبی آمریکا نشان می‌دهد که این موضوع در سال‌های اخیر به شکل چشمگیری مورد توجه محققان داخلی و خارجی قرار گرفته و زوایای گوناگونی از آن مورد واکاوی قرار گرفته است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط اشاره می‌شود:

جدول-۱. مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع پیش‌رو

مشخصات نویسنده	عنوان مقاله	توضیحات
Qureshi, 2020	ظهور جنگ ترکیبی	The Rise of (Hybrid Warfare)، با اتکا به چارچوب‌های تحلیلی فرانک هافمن، جان مک کوئن و ناتو، ضمن مروری بر مبانی تئوریک جنگ ترکیبی، به بررسی کاربرد این راهبرد در کشورهای نظیر روسیه، آمریکا، ترکیه و رژیم صهیونیستی پرداخته است. وی بر انعطاف‌پذیری و غیرقابل پیش‌بینی بودن جنگ ترکیبی تأکید دارد

و عناصر جنگ رنگی، عملیات روانی و جنگ‌های نامتقارن را به‌عنوان شالوده اصلی آن معرفی می‌کند.		
ابراهیمی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «جنگ ترکیبی: رویکرد ایالات متحده آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران»، رفتار عملی آمریکا طی دهه‌های اخیر را در قالب مؤلفه‌های جنگ ترکیبی مورد تحلیل قرار می‌دهد. وی با استفاده از چارچوب کنفرانس امنیتی مونیخ، به بررسی مؤلفه‌هایی همچون جنگ اقتصادی، حملات سایبری، حمایت از اغتشاشات داخلی، دیپلماسی اجبار و عملیات روانی آمریکا علیه ایران می‌پردازد و رفتار واشنگتن را در قالب مصادیق عملیاتی جنگ ترکیبی تبیین می‌کند.	جنگ ترکیبی: رویکرد آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران	(ابراهیمی، ۱۳۹۹)
ریاضی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «معرفی مؤلفه‌ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران»، به شناسایی سیستماتیک ۸ مؤلفه اصلی جنگ ترکیبی پرداخته‌اند و بر اساس آن ۵۳ ابزار عملیاتی آمریکا را در این چارچوب استخراج نموده‌اند. این پژوهش در ارائه یک مدل عملیاتی جامع از جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران دارای نوآوری است.	معرفی مؤلفه‌ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران	(ریاضی و دیگران، ۱۳۹۹)
متقی (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «نقش فناوری و نیروی انسانی در جنگ‌های منطقه‌ای آمریکا تا دهه ۲۰۱۰»، با ارائه سناریوهای احتمالی اقدام آمریکا علیه ایران به بررسی گزینه‌هایی چون ترغیب، اغوا، حمله نظامی مستقیم، حمایت از شورش‌های داخلی و عملیات مخملی پرداخته و نوعی آینده‌پژوهی رفتاری ارائه می‌دهد.	آمریکا در برابر ایران	(متقی، ۱۳۸۸)
قادری کنگاوری (۱۴۰۲) در مقاله «جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره»، بر نقش دیپلماسی اجبار و بازدارندگی اطلاعاتی آمریکا در بستر جنگ ترکیبی تمرکز نموده و نحوه پیوند تحریم‌های اقتصادی، اجماع‌سازی سیاسی و بسیج ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران را تبیین می‌کند.	جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره	(قادری کنگاوری، ۱۴۰۲)

کالانتري و حسيني (۱۴۰۳) در مقاله «عوامل و روش‌های جنگ ترکیبی شبکه‌ای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران» به ارائه مدلی شبکه‌ای از جنگ ترکیبی آمریکا پرداخته‌اند که ضمن تحلیل ابعاد شناختی و اطلاعاتی آن، بر نقش عملیات رسانه‌ای، شبکه‌سازی ادراکی، تضعیف روحیه اجتماعی و فروپاشی انسجام امنیتی ایران تمرکز دارد.	عوامل و روش‌های جنگ ترکیبی شبکه‌ای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران	(کالانتري و حسيني، ۱۴۰۳)
---	--	--------------------------

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مطالعات پیشین، تلاش می‌کند علاوه بر مرور ادبیات موجود، با تمرکز مستقیم بر تحلیل اسناد رسمی راهبردی ایالات متحده آمریکا^۱، برداشت واقعی تصمیم‌گیرندگان سیاسی-امنیتی این کشور از جنگ ترکیبی را استخراج و مدل عملیاتی آنان را تبیین نماید. در اغلب مطالعات داخلی و حتی بین‌المللی، تمرکز اصلی بر تحلیل جنگ ترکیبی از زاویه تهدیدات علیه آمریکا یا از منظر نقش‌آفرینی بازیگرانی چون روسیه، ایران یا چین بوده است؛ حال آن‌که مطالعه‌ای نظام‌مند در خصوص این‌که خود آمریکا چگونه این نوع جنگ را ادراک و طراحی می‌کند، کمتر دیده می‌شود. در این میان، بررسی مستقیم اسناد راهبردی آمریکا به‌ویژه سند امنیت ملی در ادوار مختلف، و مقایسه آن با ارزیابی میدانی خبرگان از اولویت‌ها و قابلیت‌های آمریکا در این زمینه، می‌تواند خلأ مهمی را در ادبیات پژوهش پر کند، فلذا پژوهش حاضر با تحلیل نظام‌مند اسناد فرادستی آمریکایی طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۲ و ترکیب آن با دیدگاه خبرگان تخصصی حوزه آمریکا و جنگ ترکیبی، یک چارچوب تحلیلی جامع و مبتنی بر اسناد رسمی ارائه می‌دهد که وجه تمایز اصلی آن نسبت به پژوهش‌های پیشین محسوب می‌شود. این تحقیق در واقع، فاصله بین «ادبیات مفهومی» و «اسناد رسمی» را پوشش داده و ضمن تحلیل محتوایی مستقیم اسناد دولتی آمریکا، مدل تصمیم‌سازی در حوزه جنگ ترکیبی این کشور را بازسازی می‌کند.

۲- روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ ماهیت از نوع توسعه‌ای-کاربردی است که مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی و استدلال استقرائی انجام شده است. پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از تحلیل محتوای اسناد راهبردی آمریکا، داده‌های میدانی لازم را نیز از طریق نظرسنجی خبرگانی گردآوری و تحلیل

^۱ National Security Strategy

نموده است. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق به صورت ترکیبی از روش کتابخانه‌ای و میدانی بوده است.

در بخش میدانی پژوهش، جهت گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه محقق ساخته بهره گرفته شده است. این پرسشنامه شامل ۱۲ پرسش اصلی به صورت بسته (با طیف پنج درجه‌ای لیکرت) تنظیم شده است که به ارزیابی شاخص‌های مرتبط با قابلیت‌ها، تهدیدات و الزامات جنگ ترکیبی آمریکا می‌پردازد.

جهت سنجش روایی محتوای پرسشنامه از روایی خبرگانی^۱ و در فرآیند اعتبارسنجی پایایی نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است که میزان پایایی در سطح مطلوب (بالتر از ۰.۷) تأیید گردید. همچنین داده‌های کمی حاصل از پرسشنامه با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است و آزمون آماری t تک‌نمونه‌ای با سطح اطمینان ۹۵ درصد برای تحلیل نتایج مورد استفاده قرار گرفته است.

جامعه آماری تحقیق شامل سه گروه اصلی است:

– مدیران و فرماندهان نظامی سطح راهبردی جنگ؛

– کارشناسان و خبرگان حوزه مطالعات آمریکا و جنگ ترکیبی؛

– اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی دارای سوابق علمی و پژوهشی مرتبط.

برای نمونه‌گیری از روش گلوله‌برفی هدفمند^۲ استفاده شده است. در ابتدا از طریق مشاوره با اساتید حوزه مطالعات آمریکا، خبرگان اولیه شناسایی گردیدند و با کمک زنجیره معرفی آنان، دامنه نمونه گسترش یافت. در نهایت تعداد ۳۰ پرسشنامه معتبر تکمیل و در تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

قلمرو موضوعی پژوهش شامل تحلیل جنگ ترکیبی آمریکا می‌باشد. قلمرو مکانی تحقیق شامل جغرافیای ایالات متحده و نظام بین‌الملل و قلمرو زمانی آن نیز بازه ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ میلادی را پوشش می‌دهد که عمدتاً براساس سال‌های انتشار اسناد امنیت ملی آمریکا تنظیم گردیده است.

^۱ Judgmental Validity

^۲ Purposive Snowball Sampling

از آنجا که بخش عمده‌ای از پژوهش مبتنی بر تحلیل محتوای اسناد فرادستی ایالات متحده است، در تحلیل کیفی داده‌ها نیز از تکنیک تحلیل محتوای اسنادی^۱ بهره گرفته شده و محورهای اساسی جنگ ترکیبی از دل این اسناد استخراج گردیده است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- جنگ ترکیبی

مفهوم جنگ در طول تاریخ دچار دگرگونی‌های فراوانی شده است. در این میان، واژه «جنگ ترکیبی، نخستین بار به‌طور رسمی در سال ۲۰۰۲ توسط ویلیام جی. نمث در رساله دکترای خود جهت توصیف نحوه تلفیق عملیات چریکی با فناوری‌های نوین توسط شورشیان چچن مطرح گردید (Nemeth, 2002: 33).

با این حال، برجسته‌ترین تئوری‌پرداز جنگ ترکیبی در ادبیات معاصر، فرانک هافمن^۲ است که تعریف ارائه شده توسط وی به گسترده‌ترین و پذیرفته‌شده‌ترین چارچوب در حوزه امنیت بین‌الملل بدل شده است. به باور هافمن، جنگ ترکیبی به معنای «استفاده هم‌زمان و تلفیقی از ابزارهای متعارف، نامتعارف، نامنظم، تروریستی و اطلاعاتی توسط بازیگران دولتی و غیردولتی، در میدانی مختلف جنگ سخت و جنگ نرم» است (Hoffman, 2007: 14). وی در تفکیک مؤلفه‌های جنگ ترکیبی، عناصر زیر را مطرح می‌کند:

ترکیب تهدیدات متعارف^۳؛

گروه‌های نامنظم^۴؛

اقدامات تروریستی و خشونت‌های شدید^۵؛

بی‌نظمی و هرج و مرج اجتماعی^۶.

از نظر هافمن، کارگزاران جنگ ترکیبی می‌توانند شامل دولت‌ها، گروه‌های شبه‌نظامی، سازمان‌های تروریستی، شبکه‌های جنایی و سایر بازیگران غیردولتی باشند. همچنین ابعاد جنگ

^۱ Documentary Content Analysis

^۲ Frank G. Hoffman

^۳ Conventional Threats

^۴ Irregular Groups

^۵ Terrorist Acts and Coercion

^۶ Social Disorder

ترکیبی از منظر وی شامل مؤلفه‌های نظامی، دیپلماتیک، اقتصادی و فناوری می‌باشد (Hoffman, 2009: 36).

در تکمیل این تعریف، جانسون (Johnson, 2017) نیز تأکید می‌کند که جنگ ترکیبی با بهره‌گیری هم‌زمان از قدرت نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک، امنیتی و مدنی، آسیب‌پذیری‌های سیستماتیک جامعه هدف را نشانه می‌گیرد و از ابهام به‌عنوان ابزار پوشش عملیات استفاده می‌کند (Johnson, 2017: 5).

متخصصان دیگری همچون (Culen & Reichborn, 2017) نیز با تحلیل تهدیدات ترکیبی در محیط راهبردی مدرن، ابعاد امنیتی جنگ ترکیبی را مشتمل بر دیپلماسی، نیروهای نیابتی، تروریسم، عملیات اقتصادی و اطلاعات جعلی معرفی کرده‌اند که در چارچوبی فراتر از مرزهای جغرافیایی عمل می‌کنند (Culen & Reichborn, 2017: 11).

در دوران کنونی دولت‌ها از ترکیب تمام مؤلفه‌های قدرت خود اعم از ابزارهای نظامی، اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای، امنیتی و سایبری جهت تأمین منافع و غلبه بر دشمنان بهره می‌برند، پدیده‌ای که تحت عنوان جنگ ترکیبی شناخته می‌شود و به صورت هماهنگ زیر آستانه شناسایی کشور هدف صورت می‌گیرد. از مزایای این شیوه می‌توان به کاهش احتمال انتساب، محکومیت و اقدامات تلافی جویانه در کنار هزینه کمتر و عمق اثربخشی بالا اشاره نمود (کلانتري و کمال زارع، ۱۴۰۳: ۸۵ - ۸۶).

در جمع‌بندی می‌توان بیان داشت که جنگ ترکیبی نوعی به‌کارگیری هم‌زمان و هماهنگ ظرفیت‌های ملی برای تأثیرگذاری بر اراده و ذهن طرف مقابل است که از طریق تضعیف مؤلفه‌های ساختاری جامعه هدف، فشار ترکیبی چندلایه‌ای ایجاد می‌کند (کلانتري و حسینی، ۱۴۰۲: ۷۵). به‌طور کلی می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های مفهوم جنگ ترکیبی را مطابق با شکل زیر برشمرد:



شکل-۱. مهم‌ترین ویژگی‌های مفهوم جنگ ترکیبی (Schmid, 2019)

۴- تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

۴-۱- جنگ ترکیبی در سیاست‌های کلان آمریکا

آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵)، به تدریج قدرت خود را به نظام بین‌الملل دیکته کرد، در طول قرن گذشته حضور فعالی در عرصه مخاصمات بین‌المللی داشته است. با نگاهی گذرا به درگیری‌های دوران معاصر می‌توان دریافت کمتر جنگی بوده که اثری از دخالت مستقیم یا غیرمستقیم آمریکا در آن موجود نباشد. این کشور از مهم‌ترین پیشروهای بهره‌گیری از قدرت نرم در کنار قدرت سخت بوده و از اولین ترکیب‌کنندگان ابزارهای سخت و نرم در راستای تأمین منافع

خود می‌باشد. این کشور ضمن دارا بودن قدرت برتر نظامی، همواره یکی از پیشتازان بهره‌گیری از قدرت نرم برای دستیابی به منافع خود بوده است. ضمن آن که در زمینه استفاده از شیوه‌های مدرن جنگی نیز این کشور همیشه در زمره پیشتازان قرار داشته است. همچنین سازمان‌های امنیتی و نظامی این کشور همواره مدعی بهره‌گیری رقبا از ابزارهای ترکیبی بر علیه منافع واشنگتن می‌باشند که این امر در اسناد امنیتی منتشره توسط کاخ سفید، به وضوح قابل مشاهده است.

یکی از مهم‌ترین اسناد امنیتی منتشره توسط دولت آمریکا، استراتژی امنیت ملی این کشور است که منبع مهمی از ادراکات، اهداف و اقدامات این کشور در حوزه‌های امنیتی ارائه می‌دهد. اشاره به جنگ ترکیبی در این اسناد گرچه عموماً غیرمستقیم و مختصر است؛ اما حاوی نکات مهمی در باب لزوم آمادگی و مقابله در برابر این نوع حملات خصوصاً از سوی چین و روسیه است که در باب موضوع مورد پژوهش، حائز اهمیت می‌باشد.

۴-۱-۱- چارچوب کدگذاری تحلیل اسناد

جهت استخراج نظام‌مند مؤلفه‌های جنگ ترکیبی در این اسناد، ابتدا شش بعد اصلی جنگ ترکیبی (نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک، رسانه‌ای- فرهنگی، امنیتی و سایبری) مبنای کدگذاری قرار گرفت و سپس با مرور محتوای اسناد، تهدیدات و راهبردهای مرتبط در هر بعد استخراج گردید.

۴-۱-۲- یافته‌های کلیدی تحلیل اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا

جدول-۲. تحلیل برخی از اسناد امنیت ملی آمریکا

سال سند	تهدیدات ترکیبی شناسایی شده	راهبردهای مقابله‌ای ایالات متحده
NSS 2006	- بهره‌گیری رقبا از جنگ اطلاعاتی و عملیات روانی (فیلترینگ و اطلاعات غلط) - تحریک اقلیت‌های قومی و مذهبی و ایجاد شکاف‌های داخلی - استفاده از نیروهای نامنظم و گروه‌های غیردولتی برای برهم زدن ثبات داخلی آمریکا	- گسترش سپاه ذخیره غیرنظامی انعطاف‌پذیر - ارتقاء زیرساخت‌های داخلی و ظرفیت‌های ملی - تقویت همکاری‌های دیپلماتیک و اتحادهای استراتژیک - توسعه برنامه‌ریزی بین‌سازمانی برای مقابله با تهدیدات چندلایه (36-30: NSS, 2006)

NSS 2010	-تشدید تهدیدات سایبری و اطلاعاتی علیه زیرساخت‌های حیاتی -توسعه ابزارهای غیرنظامی برای تضعیف قدرت نرم آمریکا -استفاده از طیف متنوع ابزارهای جنگ ترکیبی توسط رقبا	-افزایش آمادگی سایبری و امنیت اطلاعات ملی -بهبود مقاومت اجتماعی و انعطاف‌پذیری در برابر تهدیدات اطلاعاتی -تحکیم اتحادها و مشارکت‌های بین‌المللی در مقابله با جنگ ترکیبی -سرمایه‌گذاری در آموزش عمومی و تبادل علمی (NSS, 2010: 21-24)
NSS 2015	-برجسته شدن قدرت اقتصادی به‌عنوان مرکز ثقل امنیت ملی -تهدیدات ترکیبی از مسیر تحریم‌های متقابل، تهدید انرژی و حملات سایبری - تشدید فعالیت‌های خصمانه روسیه و چین در حوزه‌های اقتصادی و فناوریانه	-تثبیت رهبری اقتصادی جهانی آمریکا -تحریم گسترده عناصر تهدیدکننده ثبات مالی جهانی -حفاظت از زیرساخت‌های انرژی و شبکه‌های سایبری -ایجاد استانداردهای جهانی مقابله با تهدیدات ترکیبی (NSS, 2015: 15-26)
NSS 2017	-تعریف چین و روسیه به‌عنوان رقبای استراتژیک -عملیات نفوذ سایبری در انتخابات و داده‌های شخصی شهروندان آمریکا -استفاده از عملیات شناختی و کمپین‌های رسانه‌ای برای تضعیف دموکراسی آمریکا	- تقویت بازدارندگی نظامی و توسعه فناوری نظامی پیشرفته - مقابله فعال با عملیات شناختی و جنگ اطلاعاتی رقبا - افزایش همکاری با ناتو و سازمان‌های منطقه‌ای - ارتقاء تاب‌آوری زیرساخت‌های حیاتی و امنیت داده‌ها (NSS, 2017: 13-36)
NSS 2022	-تمرکز ویژه بر تهدیدات ترکیبی چین (اقتصادی، فناوریانه و ژئوپلیتیکی) -گسترش اقتدارگرایی دیجیتال، تروریسم سایبری و عملیات شناختی علیه ارزش‌های دموکراتیک غرب -نفوذ اقتصادی و اختلالات زنجیره تأمین جهانی	- سرمایه‌گذاری گسترده در نوآوری فناوری پیشرفته - حفاظت از امنیت سایبری و زیرساخت‌های استراتژیک - رهبری در فناوری انرژی پاک و رقابت اقتصادی پایدار - تقویت ائتلاف‌های بین‌المللی برای مهار قدرت‌های ترکیبی (NSS, 2022: 15-33)

بررسی روند اسناد راهبردی آمریکا طی دو دهه اخیر نشان می‌دهد که درک ایالات متحده از تهدیدات ترکیبی با تغییرات قابل توجهی همراه بوده است. در حالی که در اسناد اولیه (۲۰۰۶ و ۲۰۱۰) تمرکز بیشتر بر تهدیدات کلاسیک و ظهور جنگ اطلاعاتی و سایبری قرار داشت، به تدریج از سال ۲۰۱۵ به بعد، اولویت‌های ترکیبی به‌ویژه با پررنگ شدن تهدید چین به‌عنوان بازیگر جامع‌الابعاد جنگ ترکیبی افزایش یافت. همچنین از سال ۲۰۱۷ بحث نفوذ شناختی^۱ و عملیات نفوذ در روندهای انتخاباتی و داده‌های ملی آمریکا به سطح تهدید درجه یک ارتقاء پیدا کرد. در نهایت، سند ۲۰۲۲ با تکیه بر مفاهیمی همچون اقتدارگرایی دیجیتال، نفوذ فناوری، امنیت زنجیره تأمین و اتحادسازی بین‌المللی، شکل تکامل‌یافته‌تری از برداشت آمریکا از جنگ ترکیبی را منعکس می‌سازد.

در مجموع می‌توان گفت آمریکا در این شیوه، از ترکیب ابزارهای متعارف و نامتعارف - از جمله جنگ اقتصادی، جنگ اطلاعاتی، جنگ سیاسی، جنگ فرهنگی، عملیات روانی، حملات سایبری، ناامنی و بی‌ثبات‌سازی داخلی و جنگ دیپلماتیک - بهره می‌برد (قادری کنگاوری، ۱۴۰۱: ۱۱).

۲-۴- قابلیت‌ها و اولویت‌ها در جنگ ترکیبی آمریکا

۲-۴-۱- تشریح ساختار پرسشنامه

پرسشنامه این تحقیق در راستای پاسخ به دو سؤال اصلی پژوهش طراحی گردید و شامل دو محور عمده بود که به شرح زیر تدوین شد:

محور اول: ارزیابی قابلیت‌های آمریکا در جنگ ترکیبی

این محور با هدف پاسخ به سؤال اول پژوهش طراحی شد: «قابلیت‌های ایالات متحده آمریکا در حوزه جنگ ترکیبی کدامند؟»

برای سنجش این محور، ۶ پرسش به شرح زیر طراحی گردید:

پرسش ۱: قابلیت نظامی ایالات متحده در جنگ ترکیبی

پرسش ۲: قابلیت اقتصادی ایالات متحده در جنگ ترکیبی

پرسش ۳: قابلیت دیپلماتیک ایالات متحده در جنگ ترکیبی

پرسش ۴: قابلیت رسانه‌ای - فرهنگی ایالات متحده در جنگ ترکیبی

^۱ Cognitive Warfare

پرسش ۵: قابلیت امنیتی (اطلاعاتی و حفاظتی) ایالات متحده در جنگ ترکیبی

پرسش ۶: قابلیت سایبری ایالات متحده در جنگ ترکیبی

خبرگان به هر یک از این پرسش‌ها در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از بسیار کم تا بسیار زیاد) امتیاز دادند تا سطح واقعی قابلیت آمریکا در هر مؤلفه مشخص گردد.

محور دوم: ارزیابی اهمیت مؤلفه‌ها در مدل جنگ ترکیبی آمریکا

این محور ناظر به سؤال دوم پژوهش بود: «کدامیک از مؤلفه‌های جنگ ترکیبی از دید خبرگان در اولویت راهبردی آمریکا قرار دارد؟»

برای این محور نیز همان ۶ پرسش فوق‌مورد سنجش مجدد قرار گرفت؛ اما با تغییر زاویه سنجش به میزان اهمیت استراتژیک هر مؤلفه در طراحی جنگ ترکیبی آمریکا از دید خبرگان.

پرسش‌های این محور به شرح زیر بوده است:

پرسش ۷: اهمیت مؤلفه نظامی در جنگ ترکیبی آمریکا

پرسش ۸: اهمیت مؤلفه اقتصادی در جنگ ترکیبی آمریکا

پرسش ۹: اهمیت مؤلفه دیپلماتیک در جنگ ترکیبی آمریکا

پرسش ۱۰: اهمیت مؤلفه رسانه‌ای-فرهنگی در جنگ ترکیبی آمریکا

پرسش ۱۱: اهمیت مؤلفه امنیتی در جنگ ترکیبی آمریکا

پرسش ۱۲: اهمیت مؤلفه سایبری در جنگ ترکیبی آمریکا

با توجه به این ساختار، پرسشنامه شامل مجموعاً ۱۲ پرسش اصلی در دو محور بوده است که به ترتیب به سؤالات اول و دوم پژوهش پاسخ می‌دهند.

نتایج حاصل از این پرسشنامه مبنای تحلیل داده‌های میدانی تحقیق در بخش‌های بعدی قرار گرفت.

۲-۲-۴- ساختار پرسشنامه و روش تحلیل

پرسشنامه تحقیق در دو بخش اصلی طراحی شد: بخش اول برای سنجش میزان قابلیت‌های آمریکا در جنگ ترکیبی و بخش دوم برای ارزیابی اهمیت نسبی هر مؤلفه در مدل جنگ ترکیبی آمریکا. داده‌ها از ۳۰ خبره امنیتی، سیاسی و دانشگاهی گردآوری شد. نتایج با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای و نرم‌افزار SPSS تحلیل و پایایی ابزار با آلفای کرونباخ ۰.۸۳ تأیید گردید. اختلاف

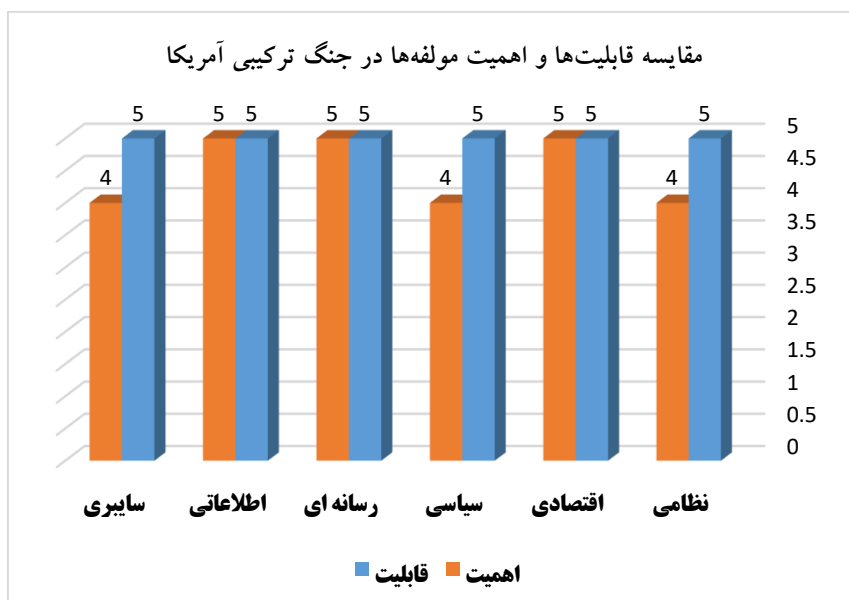
میانگین نتایج پرسشنامه و جلسات خبرگی با حضور ۵ نفر از خبرگان برجسته حوزه، کمتر از ۰.۷ بود که همگرایی و اعتبار داده‌ها را نشان می‌دهد.

۴-۲-۳- تحلیل یافته‌های میدانی: ترکیب قابلیت‌ها و اهمیت مؤلفه‌های جنگ ترکیبی آمریکا

جدول ۳. قابلیت‌های آمریکا و اهمیت مؤلفه‌ها جنگ ترکیبی این کشور

ردیف	مؤلفه	نتایج پرسشنامه	وزن	انحراف معیار	نتایج خبرگی
۱	نظامی	قابلیت	۰.۱۶۵	۰	۵
		اهمیت	۰.۱۱۸	۰.۷۶	۴
۲	اقتصادی	قابلیت	۰.۱۶۵	۰	۵
		اهمیت	۰.۱۸۶	۰.۲۵	۵
۳	دیپلماتیک	قابلیت	۰.۱۶۲	۰.۲۵	۵
		اهمیت	۰.۱۶۰	۰.۵۴	۴
۴	رسانه‌ای	قابلیت	۰.۱۶۲	۰.۲۵	۵
		اهمیت	۰.۱۸۶	۰.۲۵	۵
۵	امنیتی	قابلیت	۰.۱۶۲	۰.۲۵	۵
		اهمیت	۰.۱۸۶	۰.۲۵	۵
۶	سایبری	قابلیت	۰.۱۵۸	۰.۳۷	۵
		اهمیت	۰.۱۶۳	۰.۶۴	۴

(منبع نگارنده)



نمودار-۱. مقایسه قابلیت‌ها و اهمیت مؤلفه‌ها در جنگ ترکیبی آمریکا (منبع نگارنده)

۴-۲-۴- تحلیل تفصیلی مؤلفه‌ها

نظامی: در تحلیل پرسشنامه، خبرگان میانگین نمره ۵ را برای قابلیت‌های آمریکا در حوزه نظامی اعلام کرده‌اند که نشان می‌دهد این کشور همچنان در مؤلفه نظامی در حداکثر سطح قابلیت قرار دارد. ارتش این کشور، ناوگان دریایی، توان هوایی، فناوری‌های موشکی و هسته‌ای و شبکه گسترده پایگاه‌های نظامی در اقصی نقاط جهان، مزیت نظامی را برای آمریکا تثبیت کرده است. اما اهمیت نظامی در مدل جنگ ترکیبی از نگاه خبرگان به طور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر (میانگین اهمیت ۳.۱) ارزیابی شده است، که بیانگر این است که نقش نظامی در این الگو، صرفاً در سطح بازدارنده و محدود و نه کنش گسترده و فراگیر، ارزیابی شده است. تحلیل اسناد NSS نیز نشان می‌دهد که در بیشتر اسناد پس از ۲۰۱۰، مؤلفه نظامی بیشتر به‌عنوان پشتیبان ابزارهای دیگر به کار گرفته می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که آمریکا با وجود توان گسترده نظامی، ترجیح داده از ابزارهای غیرمستقیم در جنگ ترکیبی بهره گیرد.

اقتصادی: در بخش قابلیت، آمریکا در مؤلفه اقتصادی با نمره ۵ (میانگین) از دید خبرگان، در بالاترین سطح قرار دارد. در بخش اهمیت نیز نمره ۴.۹ گزارش شده است. این مسئله نشان‌دهنده آن است که آمریکا، قدرت اقتصادی خود را به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای جنگ ترکیبی به کار می‌گیرد. در اسناد NSS نیز به‌ویژه در نسخه‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷، به قدرت تأثیرگذاری تحریم‌ها، کنترل زنجیره تأمین جهانی و فشارهای مالی به‌عنوان ابزارهای جنگ ترکیبی اشاره شده است. آمریکا از این مؤلفه برای بی‌ثبات‌سازی اقتصادی کشور هدف، ایجاد نارضایتی عمومی، تضعیف ساختار تولید ملی و وابسته‌سازی سیستم مالی استفاده می‌کند. آمریکا با تسلط بر نظام مالی بین‌الملل، اعمال تحریم‌های گسترده، جنگ ارزی و مدیریت زنجیره‌های تأمین جهانی ابزار قدرتمندی برای اعمال فشار ترکیبی بر رقبای خود دارد.

دیپلماتیک: میانگین نمره قابلیت آمریکا در مؤلفه دیپلماتیک برابر ۴.۹ و اهمیت آن از نگاه خبرگان ۴.۲ گزارش شده است. این فاصله نشان می‌دهد که اگرچه آمریکا از نظر توان دیپلماتیک در سطح بالایی قرار دارد، اما در الگوی جنگ ترکیبی، این مؤلفه نقش مکمل و تسهیل‌گر دارد. در اسناد NSS دیپلماسی به‌عنوان ابزار ایجاد ائتلاف، جذب حمایت بین‌المللی، مشروع‌سازی اقدامات ترکیبی و حتی فشار غیرمستقیم بر رقبای خود به کار می‌رود. نقش محوری وزارت خارجه آمریکا در هماهنگی با نهادهای اطلاعاتی، رسانه‌ای و نظامی، گواهی بر این کارکرد است.

رسانه‌ای - فرهنگی: این مؤلفه نیز با میانگین قابلیت ۴.۹ و اهمیت ۴.۹ از نگاه خبرگان، یکی از مهم‌ترین ابزارهای جنگ ترکیبی ایالات متحده تلقی می‌شود. آمریکا با در اختیار داشتن شبکه گسترده رسانه‌های جهانی، پلتفرم‌های فناوری، هژمونی فرهنگی و ابزارهای جنگ شناختی، توانسته است افکار عمومی جهان را در بسیاری از موارد به نفع خود شکل دهد. در اسناد NSS به‌ویژه نسخه ۲۰۱۷، بارها از اصطلاحاتی چون «پایداری روایت ملی»، «مدیریت افکار عمومی» و «مقابله با اطلاعات نادرست رقبای» استفاده شده است. آمریکا با بهره‌گیری از این قدرت، شکاف‌های قومیتی، اجتماعی، و مذهبی را در کشورهای هدف تشدید کرده و از این مسیر مشروعیت داخلی را تضعیف می‌کند. کنترل روایت‌ها، جنگ شناختی و هدایت افکار عمومی جهان از ابزارهای کلیدی آمریکا در جنگ ترکیبی به‌شمار می‌رود (NSS, 2017).

امنیتی (اطلاعاتی): میانگین نمره قابلیت آمریکا در مؤلفه امنیتی برابر ۴.۹ و اهمیت آن نیز در همین سطح قرار دارد. این هم‌ارزی نشان‌دهنده نقش کلیدی این مؤلفه در ساختار جنگ ترکیبی آمریکاست. اسناد امنیت ملی به‌ویژه سند ۲۰۲۲، نقش نهادهای اطلاعاتی چون CIA، NSA و وزارت امنیت داخلی را در شناسایی تهدیدات، کنترل محیط داخلی، اجرای عملیات پنهان و پشتیبانی از اقدامات دیپلماتیک و سایبری برجسته کرده‌اند. این ترکیب دقیق از توان امنیتی با سایر ابزارها، ساختاری یکپارچه و مؤثر برای اعمال فشار ترکیبی ایجاد کرده است. این مؤلفه به‌عنوان بازوی عملیاتی جنگ ترکیبی در عملیات نفوذ، جمع‌آوری اطلاعات و مقابله با تهدیدات مخفیانه ایفای نقش می‌کند (NSS, 2022).

سایبری: میانگین نمره قابلیت ۴.۸ و اهمیت ۴.۳ برای این مؤلفه گزارش شده است. کاهش نسبی اهمیت نسبت به سایر مؤلفه‌ها، می‌تواند ناشی از درگیری هم‌زمان آمریکا با تهدیدات سایبری فزاینده از سوی چین و روسیه باشد؛ به‌ویژه در حوزه زیرساخت‌های حساس، انتخابات، داده‌های شخصی و سیستم‌های مالی. در اسناد منتشره طی سال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۱۷ و به‌ویژه ۲۰۲۲، امنیت سایبری به‌عنوان یکی از محورهای اصلی دفاع ترکیبی و یکی از میادین اصلی جنگ‌های نوین معرفی شده است. آمریکا در تلاش است هم‌زمان با اجرای حملات ترکیبی سایبری، در برابر اقدامات مشابه رقبا نیز مقاومت‌سازی کند (NSS, 2022).

۵- جمع‌بندی کلی یافته‌های میدانی

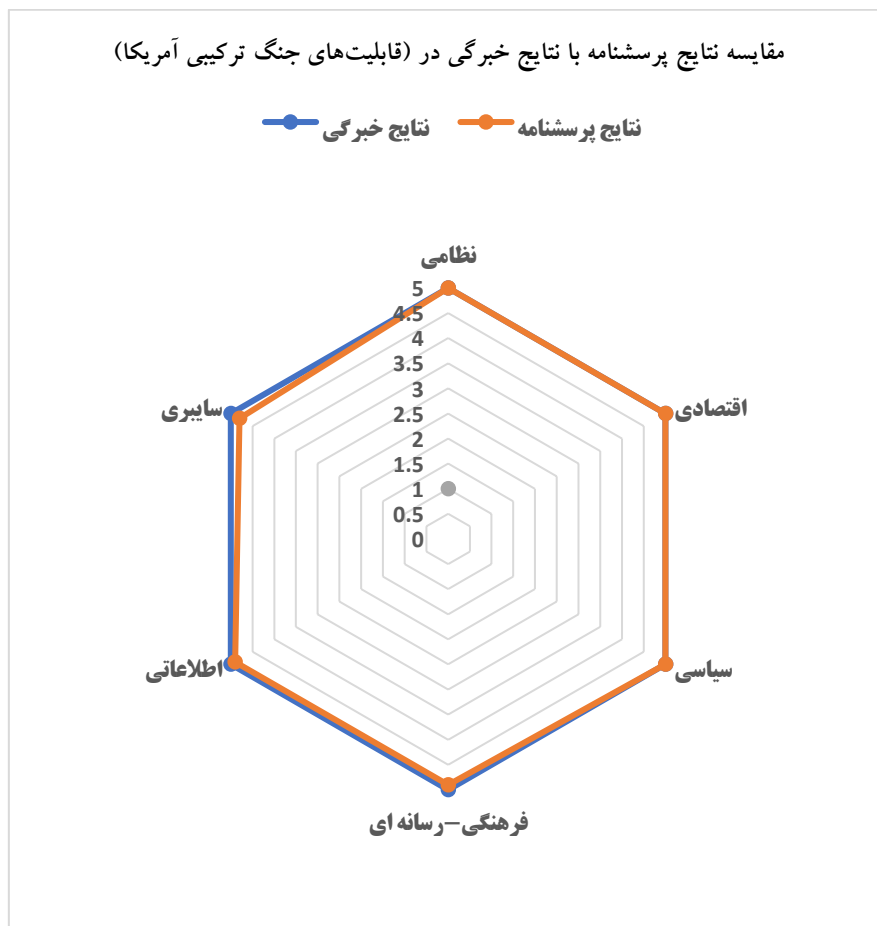
مقایسه یافته‌های میدانی و اسنادی نشان می‌دهد که آمریکا در تمامی مؤلفه‌های جنگ ترکیبی از سطح بالای قابلیت برخوردار است. در طراحی جنگ ترکیبی آمریکا، اولویت عملیاتی بر مؤلفه‌های اقتصادی، رسانه‌ای، امنیتی و سایبری متمرکز شده است. مؤلفه نظامی با وجود قابلیت حداکثری، در الگوی ترکیبی نسبت به سایر مؤلفه‌ها نقش کاهنده‌تری دارد و ابزارهای سخت نظامی اغلب در سطح محدود مورد استفاده قرار می‌گیرند. یافته‌های میدانی با تحلیل اسناد امنیت ملی آمریکا (NSS) در بازه ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۲ هم‌راستایی کامل دارد و دلالت بر سیاست ترکیبی چندلایه آمریکا در مواجهه با تهدیدات راهبردی دارد. این ساختار چندلایه و منعطف، امکان اعمال فشار هم‌زمان و نامحسوس بر رقبا را با کمترین هزینه برای واشنگتن فراهم می‌سازد.

۵-۱- پاسخ سؤال فرعی اول تحقیق: مهم‌ترین قابلیت‌های آمریکا در حوزه جنگ ترکیبی چیست؟

قابلیت‌های جنگ ترکیبی یک کشور و نقاط قوت آن، ضمن این‌که نقشی تعیین‌کننده در طراحی الگوی جنگ ترکیبی آن کشور دارد، یکی از تأثیرگذارترین موارد در کاهش میزان خسارات حملات ترکیبی علیه آن کشور می‌باشد. بنابراین همان‌طور که در اسناد و ادبیات مورد بررسی نیز بارها مشاهده شد، تمام کشورها در پی گسترش قابلیت‌ها و افزایش مزیت‌های رقابتی خود می‌باشند. در این میان، هر کدام از کشورها بر مبنای اهداف، میزان امکانات و تهدیداتی که علیه خود درک می‌کنند، دست به تقویت خود و پوشش دادن نقاط ضعف خود می‌زنند.

کشور آمریکا با توجه به جایگاهی که طی دو دهه اخیر در نظام بین‌الملل داشته و اهداف و گستره منافعی که برای خود تعریف نموده، همواره ناچار است قابلیت‌های خود را همه زمینه‌ها بهبود بخشیده و در ارزیابی تمام مولفه‌های قدرت، همواره جایگاهی برتر کسب نماید. به همین سبب دولت آمریکا، از سال‌ها پیش، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای را برای تقویت مؤلفه‌های قدرت خود و ایجاد مزیت‌های رقابتی انجام داده و همان‌طور که در بخش پیشین تبیین گردید، تاکنون نیز موفق شده در تمامی مولفه‌های بررسی شده، جایگاه برتر را از آن خود گرداند. این کشور همزمان که به گواه اکثریت ارزیابی‌ها، برترین قدرت نظامی و اقتصادی را دارا می‌باشد، از بالاترین قابلیت‌ها در حوزه‌های امنیتی، دیپلماتیک، فرهنگی- رسانه‌ای و سایبری برخوردار بوده و همین امر سبب گردیده تا همچنان بالاترین جایگاه نظام بین‌الملل را حفظ نموده و کمترین آسیب‌پذیری را از حملات ترکیبی نوین، متوجه خود ببیند.

نمودار زیر میزان تطابق نتایج حاصل از جلسه خبرگی در خصوص قابلیت‌های آمریکا در حوزه جنگ ترکیبی را با میانگین حاصل از نتایج پرسشنامه نشان می‌دهد. همان‌طور که در تصویر پیداست، اعداد بدست آمده در تمامی مولفه‌ها، دارای میزان تطابق بالایی با نتایج پرسشنامه بوده و همین امر میزان اعتبار اعداد بدست آمده و پایایی پژوهش را تا حد زیادی تأیید می‌کند.



نمودار-۲. مقایسه نتایج جلسه خبرگی با نتایج پرسشنامه (قابلیت‌های آمریکا در جنگ ترکیبی) (منبع: نگارنده)

۲-۵. پاسخ سؤال فرعی دوم تحقیق: مهم‌ترین تهدیدات ترکیبی از منظر آمریکا

به‌طور کلی می‌توان مهم‌ترین و مورد تأکیدترین تهدیدات درک شده علیه آمریکا و الزامات مقابله با آن‌ها را به تفکیک اصلی‌ترین حوزه‌های جنگ ترکیبی و بر مبنای مهم‌ترین اسناد امنیتی این کشور به شکل زیر بیان داشت:



شکل-۲. مهم‌ترین تهدیدات ترکیبی از منظر اسناد راهبردی امنیت ملی آمریکا (منبع: نگارنده)

۵-۳. پاسخ سؤال فرعی سوم: مهم‌ترین الزامات مقابله با تهدیدات ترکیبی از منظر آمریکا

شکل زیر مهم‌ترین و مورد تأکیدترین تهدیدات درک شده علیه آمریکا و الزامات مقابله با آن‌ها را به تفکیک اصلی‌ترین حوزه‌های جنگ ترکیبی و بر مبنای مهم‌ترین اسناد امنیتی این کشور بیان می‌دارد.



شکل ۳- مهم‌ترین الزامات مقابله با تهدیدات ترکیبی از منظر اسناد راهبردی امنیت ملی آمریکا (منبع: نگارنده)

۵-۴- پاسخ سؤال اصلی مقاله

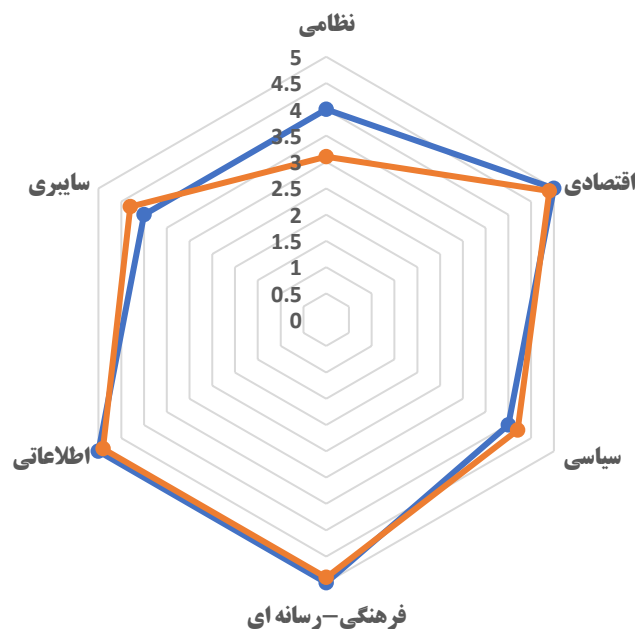
تحلیل اسناد راهبردی و یافته‌های میدانی نشان می‌دهد که از منظر سیاست‌گذاران ایالات متحده، جنگ ترکیبی به معنای بهره‌گیری هم‌زمان و ترکیبی از طیف وسیعی از ابزارهای نظامی، اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای، سایبری، امنیتی و اطلاعاتی است که به صورت یکپارچه طراحی و اجرا می‌شود. ویژگی اصلی این نوع جنگ، اعمال فشار زیر آستانه جنگ آشکار و پرهیز از رویارویی مستقیم با رقباست به گونه‌ای که کشور مهاجم بتواند ضمن تضعیف ساختار تصمیم‌گیری کشور هدف، از انتساب صریح اقدامات خود مصون بماند.

از دید حاکمان آمریکا، چین به‌عنوان مهم‌ترین تهدید راهبردی و بازیگر اصلی جنگ ترکیبی علیه واشنگتن شناخته می‌شود و روسیه و ایران نیز در سطوح پایین‌تر به عنوان تهدیدات مکمل در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی مطرح هستند. در این چارچوب، آمریکا مدل جنگ ترکیبی خود را حول چهار محور اقتصادی، رسانه‌ای، امنیتی و سایبری طراحی کرده و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های برتر خود در این حوزه‌ها به مدیریت تهدیدات جهانی می‌پردازد.

این برداشت در تمامی اسناد NSS از ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۲ به اشکال مختلف منعکس شده و یافته‌های میدانی این پژوهش نیز صحت و اعتبار آن را از منظر خبرگان تخصصی تأیید می‌کند. نمودار زیر میزان تطابق نتایج حاصل از جلسه خبرگی در خصوص اهمیت مؤلفه‌های جنگ ترکیبی در الگوی آمریکا را با میانگین حاصل از نتایج پرسشنامه نشان می‌دهد. مطابق این نمودار، اعداد بدست آمده در تمامی مؤلفه‌ها، دارای میزان تطابق بالایی با نتایج پرسشنامه بوده و به گونه‌ای است که اختلاف تمام نتایج حاصله با میانگین نتایج پرسشنامه کمتر از ۰.۷ می‌باشد. همین امر میزان اعتبار اعداد بدست آمده در این زمینه و پایایی پژوهش را تا حد زیادی تأیید می‌کند.

مقایسه نتایج پرسشنامه با نتایج خبرگی (اهمیت مؤلفه‌ها در جنگ ترکیبی آمریکا)

نتایج خبرگی نتایج پرسشنامه



نمودار ۳- مقایسه نتایج حاصله با نتایج پرسشنامه (اهمیت مؤلفه‌ها در جنگ ترکیبی آمریکا) (منبع نگارنده)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل جنگ ترکیبی از منظر اسناد راهبردی آمریکا، با تمرکز بر قابلیت‌های ایالات متحده و اولویت‌های آن در به‌کارگیری مؤلفه‌های این نوع جنگ، انجام شد. روند

پژوهش با بررسی نظام‌مند ادبیات نظری، تحلیل اسناد راهبردی (به‌ویژه سند امنیت ملی آمریکا-NSS) و جمع‌آوری داده‌های میدانی از خبرگان سیاسی، امنیتی و نظامی صورت گرفت. در گام نخست، تلاش شد تا مفهوم جنگ ترکیبی از منظر مفهومی و نظری به‌دقت واکاوی شود. جنگ ترکیبی به‌عنوان شکلی از منازعه نامتقارن و چندوجهی، فراتر از جنگ‌های سنتی و کلاسیک، ابزاری راهبردی برای وارد کردن فشار بر کشورها بدون ورود به درگیری آشکار محسوب می‌شود. در این الگو، قدرت‌های بزرگ از ترکیب مؤلفه‌هایی چون جنگ رسانه‌ای، عملیات سایبری، فشار اقتصادی، تحریک داخلی و تهدید نظامی برای دستیابی به اهداف راهبردی بهره می‌برند.

در مرحله بعد، اسناد راهبردی ایالات متحده از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۲ مورد تحلیل قرار گرفت تا برداشت آمریکا از جنگ ترکیبی، مصادیق، تهدیدات، فرصت‌ها و ابزارهای اولویت‌دار در این مسیر شناسایی شود. اسناد NSS نشان دادند که آمریکا، ضمن اذعان به ورود به عرصه جنگ‌های نوین ترکیبی، رقبای اصلی خود را (چین، روسیه و ایران) به استفاده گسترده از این الگو متهم کرده و راهبرد خود را بر مبنای بازدارندگی، مقابله چندلایه و ارتقاء تاب‌آوری داخلی طراحی کرده است. یافته‌های میدانی پژوهش نیز از طریق توزیع پرسشنامه در میان ۳۰ نفر از خبرگان و تحلیل نتایج آن با روش آماری تی‌تک نمونه‌ای، حاکی از آن بود که آمریکا در تمامی مؤلفه‌های جنگ ترکیبی دارای قابلیت بالا بوده، اما در الگوی به‌کارگیری، به‌طور خاص بر مؤلفه‌های اقتصادی، رسانه‌ای، امنیتی و سایبری تمرکز دارد و نقش نظامی را صرفاً در حد محدود و به‌عنوان مکمل سایر ابزارها حفظ کرده است. این یافته‌ها با محتوای اسناد امنیتی مورد بررسی همخوانی داشته و وجه اعتبار تحلیل را تقویت می‌کند. در همین راستا و با در نظر گرفتن تجربه تلخ و پر هزینه حمله نظامی به افغانستان و عراق، منطقی است که کاخ سفید اعمال زور به روش سنتی را از اولویت خارج نموده و به ترکیب تمام قابلیت‌های خود در برابر قدرت‌هایی نظیر چین، روسیه و جمهوری اسلامی ایران روی آورد.

در تایید این موضوع و به‌طور خاص، جدول نهایی تطبیق «قابلیت‌ها» و «اهمیت مؤلفه‌ها» نشان داد که بالاترین اولویت عملیاتی آمریکا در جنگ ترکیبی، استفاده از قدرت اقتصادی و رسانه‌ای برای تأثیرگذاری بر ساختارهای تصمیم‌سازی کشور هدف است؛ درحالی که مؤلفه نظامی با وجود داشتن بالاترین قابلیت، از نظر راهبردی در جایگاه پایین‌تری قرار گرفته است. این نکته یکی از

مهم‌ترین تمایزهای جنگ ترکیبی با جنگ‌های سنتی است و نشان می‌دهد که نبردهای آینده بیش از آنکه در میدان‌های جنگ نظامی رخ دهند، در عرصه رسانه، اقتصاد، سایبر و سیاست دنبال خواهند شد. درواقع می‌توان گفت، در جنگ‌های نوین آمریکا، ترکیب مؤلفه‌های غیرنظامی با هدف تضعیف ساختار کشور هدف و فروپاشی از درون صورت گرفته و در صورت نیاز، اقدامات نظامی محدود، مکمل اقدامات غیرنظامی پیشین خواهد شد.

نتایج این تحقیق برای ساختار سیاست‌گذاری دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز دارای نکات راهبردی مهمی است. با توجه به آنکه ایران یکی از سه کشور اصلی معرفی شده به‌عنوان تهدید ترکیبی در اسناد امنیت ملی آمریکا است، طبیعی است که بخش عمده‌ای از این ابزارها و عملیات‌های ترکیبی در جهت فشار بر ساختار داخلی کشور ما طراحی و اجرا شده‌اند. ایالات متحده در دهه‌های اخیر تلاش کرده تا از طریق الگوی جنگ ترکیبی، به‌جای ورود مستقیم به جنگ‌های پرهزینه، فشار هدفمندی را از طریق ابزارهای غیرمستقیم به جمهوری اسلامی وارد سازد. با نگاه کلی به مطالب مذکور و مشابهت‌یابی با مصادیق عینی این اقدامات در خاک ایران، می‌توان مهم‌ترین این اقدامات را موارد زیر برشمرد:

- تحریم‌های اقتصادی چندلایه و ایجاد اختلال در زنجیره تأمین کشور؛
 - پروژه‌های رسانه‌ای و جنگ روانی با هدف تضعیف مشروعیت ساختار سیاسی؛
 - نفوذ اطلاعاتی و امنیتی از طریق شبکه‌های غیردولتی و فضای مجازی؛
 - استفاده از گروه‌های نیابتی در مرزهای منطقه‌ای برای ایجاد ناامنی؛
 - تهدید و استفاده موردی از نیروی نظامی علیه ایران و متحدان منطقه‌ای این کشور،
 - تأمین تسلیحاتی رقبای منطقه‌ای ایران، از جمله رژیم صهیونیستی و کشورهای همسایه،
 - و تلاش برای تسخیر ذهن و اراده جوانان با استفاده از ابزارهای فرهنگی و شناختی.
- همچنین تمرکز بر نقاط ضعف و شکاف‌های موجود در کشور هدف، نشان دهنده لزوم شناسایی، ترمیم و تقویت داخلی جهت مسدودسازی مسیرهای نفوذ آمریکا می‌باشد. بر این اساس، باید اذعان داشت که ایران در برخی مؤلفه‌های جنگ ترکیبی از جمله رسانه‌ای، سایبری و اقتصادی با آسیب‌پذیری‌های قابل توجهی مواجه است. ضعف در تولید روایت مؤثر رسانه‌ای، کم‌توجهی به سواد رسانه‌ای عمومی، شکاف‌های ساختاری در زیرساخت‌های امنیت سایبری و وابستگی به اقتصاد

نفت‌محور، زمینه‌های نفوذ و فشار ترکیبی را برای دشمنان فراهم می‌سازد. در مقابل، جمهوری اسلامی در مؤلفه‌هایی چون توان نظامی کلاسیک، انسجام ساختار اطلاعاتی و عمق راهبردی منطقه‌ای از ظرفیت‌های خوبی برخوردار است که باید به‌عنوان پایه‌های مقاومت ترکیبی تقویت شوند.

در این مسیر، توجه به ارتقاء تاب‌آوری اقتصادی، تقویت ساختارهای رسانه‌ای بومی، ارتقاء امنیت سایبری، هوشیاری اطلاعاتی و افزایش آگاهی عمومی نسبت به ماهیت جنگ ترکیبی، از الزامات اصلی پدافند غیرعامل و بازدارندگی نوین محسوب می‌شوند. همچنین، شناخت دقیق از الگوی رفتاری آمریکا در این حوزه می‌تواند به پیش‌بینی بهتر کنش‌های آتی آن کشور و طراحی پاسخ‌های متناسب منجر گردد.

در نتیجه، ضروری است جمهوری اسلامی ایران به جنگ ترکیبی به‌عنوان یک پدیده واقعی و در حال اجرا نگاه کرده و ضمن ارتقاء درک نهادی نسبت به آن، راهبردهای چندلایه دفاعی و بازدارنده را به صورت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و متناسب با این تهدیدات طراحی و اجرا نماید. بنابراین، بر اساس یافته‌های نظری و میدانی، پیشنهاد‌های زیر جهت سیاست‌گذاری و مطالعات آتی ارائه می‌شود:

- ایجاد مرکز ملی مطالعات جنگ ترکیبی با هدف رصد دائم تهدیدات ترکیبی در ابعاد اقتصادی، رسانه‌ای، سایبری و امنیتی؛
- بازطراحی ساختار مقابله با جنگ شناختی و روانی از طریق تقویت رسانه‌های بومی، ارتقاء سواد رسانه‌ای و تولید روایت‌های مؤثر و بومی؛
- توسعه بازدارندگی اقتصادی با تأکید بر کاهش وابستگی به نظام مالی بین‌المللی، مقابله با تحریم‌های ثانویه، و مقاوم‌سازی ساختار اقتصاد ملی؛
- طراحی سامانه هشدار سریع در فضای سایبری برای شناسایی به‌موقع تهدیدات زیرسطحی، نفوذهای تدریجی و عملیات فریب؛
- تدوین دکترین ملی مقابله با جنگ ترکیبی بر پایه آموزه‌های دفاعی جمهوری اسلامی و تجارب موفق سایر کشورها در جنگ‌های شناختی؛

- هدایت پژوهش‌های دانشگاهی آینده به سمت مطالعه تطبیقی جنگ ترکیبی آمریکا با سایر بازیگران مانند روسیه، چین یا ناتو، برای شناخت بهتر الگوهای مقابله. در نهایت، می‌توان گفت که تداوم غفلت از جنگ ترکیبی و تحلیل آن تنها در چارچوب جنگ سخت یا دیپلماسی کلاسیک، موجب عدم درک واقع‌بینانه از منطق کنش‌های راهبردی آمریکا خواهد شد. مطالعه این الگو نه تنها برای درک رفتار واشنگتن بلکه برای بازتعریف ساختار دفاعی و امنیتی کشور، از اهمیت حیاتی برخوردار است.

فهرست منابع

- ابراهیمی، هادی. (۱۳۹۹). جنگ ترکیبی: رویکرد ایالات متحده آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه‌ی پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۲(۱۰)، ۱۵۵-۱۸۰
- ریاضی وحید، اکبری علی، باجلانی صفدر و اکبری حسن‌رضا. (۱۴۰۰). معرفی مؤلفه‌ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران. فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، ۱۹(۷۳)، ۲۷-۱
- قادری کنگاوری، روح‌الله. (۱۴۰۲). جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره؛ از دیپلماسی اجبار تا بازدارندگی اطلاعاتی. مطالعات راهبردی آمریکا، ۲(۸)، ۱۱-۴۷.
- کلاتری، فتح‌الله. (۱۴۰۲). جنگ ترکیبی. پژوهشگاه علوم و فناوری دفاع مقدس شهید سپهبد پاسدار حاج قاسم سلیمانی.
- کلاتری، فتح‌الله و حسینی، سید حسین. (۱۴۰۳). عوامل و روش‌های جنگ ترکیبی شبکه‌ای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی آمریکا، ۳(۱۱)، ۶۳-۹۲.
- کلاتری، فتح‌الله و کمال زارع، حسین. (۱۴۰۳). جنگ ترکیبی از منظر روسیه (۲۰۱۲-۲۰۲۴). فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۳۰(۱۲۸)، ۸۱-۱۱۲.
- متقی، ابراهیم. (۱۳۸۸). نقش فناوری و نیروی انسانی در جنگ‌های منطقه‌ای آمریکا تا دهه ۲۰۱۰. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۷(۲۵)، ۰-۰.
- Cullen, P.J., Reichborn-Kjennerud, E. (2017). Understanding Hybrid Warfare. Multinational Capability Development Campaign (MCDC), London
- Hoffman, F.G. (2007). Conflict in the 21st Century: The Rise of Hybrid Wars. Arlington, VA: Potomac Institute for Policy Studies
- Hoffman, F.G. (2009). Hybrid Warfare and Challenges. Joint Force Quarterly, No. 52, 34-39
- Johnson, R. (2017). The Evolution of Hybrid Threats Through History, in SHIFTING PARADIGM OF WAR: HYBRID WARFARE 3-5
- National Security Strategy of USA. (2006). <https://georgewbush-whitehouse.archives.gov/nsc/nss/2006/>
- National Security Strategy of USA. (2010) https://obamawhitehouse.archives.gov/sites/default/files/rss_viewer/national_security_strategy.pdf
- National Security Strategy of USA. (2015). https://obamawhitehouse.archives.gov/sites/default/files/docs/2015_national_security_strategy_2.pdf
- National Security Strategy of USA. (2017). <https://digitalcommons.usf.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1655&context=jss>
- National Security Strategy of USA. (2022). <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2022/10/Biden-Harris-Administrations-National-Security-Strategy-10.2022.pdf>
- Nemeth, W.J. (2002). Future War and Chechnya: A Case for Hybrid Warfare. Master's Thesis, Naval Postgraduate School, Monterey, CA, USA

- Qureshi, W.A. (2020). The Rise of Hybrid Warfare. Notre Dame Journal of International & Comparative Law: Vol. 10: Iss. 2, Article 5. Available at: <https://scholarship.law.nd.edu/ndjicl/vol10/iss2/5>
- Schmid, J. (2019). The Hybrid Face of Warfare in the 21st Century. Maanpuolustus magazine. Available at: <https://www.maanpuolustus-lehti.fi/the-hybrid-face-of-warfare-in-the-21st-century/#content>

